

اقتدارگرایی ایرانی
در عهد قاجار

محمود سریع القلم



.....	۲۱۱
.....	۲۱۱
.....	۲۲۱
.....	۲۲۱
.....	۲۶۱
.....	۲۶۱

فهرست مطالب

پیش‌گفتار ۹

فصل اول

.....	مقدمه نظری	۱۱
.....	نظام اقتدارگرایی و پی‌آمدهای اجتماعی آن	۲۶
.....	اقتدارگرایی، اندیشه و نقد اندیشه	۴۰
.....	رقابت، زمان و اقتدارگرایی	۴۳
.....	جایگاه تملق و بی‌اخلاقی در نظام اقتدارگرا	۴۶
.....	نتیجه‌گیری	۵۰

فصل دوم

.....	سقوط زندیه و ظهور قاجاریه	۵۵
.....	نتیجه‌گیری	۷۸

فصل سوم

.....	مقدمه نظری: مشکلات سیستم‌سازی در ایران	۸۳
.....	آقا محمدخان	۱۰۰
.....	فتحعلی شاه	۱۰۳

محمدشاه.....	۱۱۴
ناصرالدین شاه.....	۱۲۱
مظفرالدین شاه.....	۱۳۴
تضادهای فلسفی و فکری در ایران.....	۱۳۹
محمدعلی شاه.....	۱۵۴
احمدشاه.....	۱۶۴

فصل چهارم

خروج از اقتدارگرایی: یک بررسی مقایسه‌ای.....	۲۱۰
--	-----

فصل پنجم

نتیجه‌گیری.....	۲۱۵
-----------------	-----

نمایه.....	۲۲۹
------------	-----

تأسیس این کمیته و ایجاد کمیته‌های تخصصی در زمینه‌های مختلف از جمله فلسفه، ادبیات، تاریخ، جغرافیا، اقتصاد، حقوق، علوم اجتماعی، علوم طبیعی، و هنر، از جمله اقدامات مهمی است که در راستای تحقق اهداف این کمیته انجام شده است. در ادامه به بررسی دستاورد مهمی در این زمینه، یعنی تأسیس کمیته‌های تخصصی در زمینه‌های مختلف، خواهیم پرداخت. این کمیته‌ها با همکاری و هم‌افزایی اعضای کمیته و سایر اعضای هیئت مدیره، در راستای تحقق اهداف این کمیته، اقدامات مهمی انجام داده‌اند. از جمله این اقدامات می‌توان به تأسیس کمیته‌های تخصصی در زمینه‌های مختلف، از جمله فلسفه، ادبیات، تاریخ، جغرافیا، اقتصاد، حقوق، علوم اجتماعی، علوم طبیعی، و هنر، اشاره کرد. این کمیته‌ها با همکاری و هم‌افزایی اعضای کمیته و سایر اعضای هیئت مدیره، در راستای تحقق اهداف این کمیته، اقدامات مهمی انجام داده‌اند.

در اوایل انقلاب اسلامی، از شادروان دکتر غلامحسین صدیقی تقاضا شد تا سمت وزارت علوم و آموزش عالی را بپذیرد. او که استادی توانا و دانشمندی ممتاز و آشنا به محیط علم و دانشگاه بود از پذیرفتن این سمت سرباز زد. پس از مدتها اصرار، او علت مخالفت خود را چنین بازگو کرد، «من چنین سمتی را نمی‌پذیرم چون تاریخ خوانده‌ام». این عبارت عمیق دکتر صدیقی استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران شاید مبنای مهمی در فهم ذهن منقطع، غیرمستمر، غیرخطی و غیرفرآیندی ایرانیان باشد.

شاید بتوان ادعا کرد که هرچند ایرانیان با تاریخ ادبی خود آشنایی دارند ولی به تاریخ اجتماعی و سیاسی خود که لازمه مدیریت منطقی و فهم بهتر مسائل هر مقطع زمانی است مسلط نیستند. فهم «آنچه که ما بوده‌ایم» در «شکل دادن تدریجی به آنچه که می‌خواهیم باشیم» بسیار تعیین‌کننده است. از این رو، شناخت تاریخی عمق شخصیتی و اجتماعی ما در نظم‌دادن به مطلوبیتها از اهمیتی ویژه برخوردار است.

مطالعه خطی و انباشتی تاریخ ایران معرف این واقعیت است که ایرانیان تاکنون تجربه‌ای خارج از تنوعات اقتدارگرایی نداشته‌اند و از یک نظام اقتداری به نظامی دیگر سوق داده شده‌اند. برای آنکه یک نظام

اقتدارگرا تضعیف شود و یا تدریجاً از میان برود لازم است به موازات آن نظامهای غیراقتدارگرا، نه صرفاً در اندیشه بلکه در عمل و حتی در حد جریانها و خوشه‌هایی از عمل و تمرین شفاف به وجود آیند تا رقابتی میان اقتدارگرا و غیراقتدارگرا فراهم آید.

ایرانیان نخستین ملت آسیایی بودند که «سخن» از آزادی‌خواهی، عدالت، دموکراسی و پارلمانتاریسم به میان آوردند و حتی در شکل دادن به پارلمان تا آنجا پیش رفتند که مأمور سیاسی انگلیس در گزارشی به لندن نوشت، «نظام پارلمانی ایران از اکثر پارلمانهای اروپا بالاتر است و از این نظر گاه حتی با ما در پارلمانهای دنیا قابل قیاس است.»^۱

اما چندی طول نکشید همین پختگی سیاسی در نظام پارلمانی به استبداد رضاخان منجر گردید. به عبارت دیگر، در حدی فرهنگ و باورها و رفتارها و در نهایت ساختارها و منافع منتهی به اقتدارگرایی در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران قدرت‌مند بوده که نظامهای رقیب نتوانسته‌اند در برابر آن قد علم کنند. عمده جرم اساسی^۲ شکل‌دهنده تاریخ، منافع افراد و جریانها بوده است و اقتدارگرایی نیز در راستای منافع پادشاهان، وزرا و جریانهای ایرانی حفظ شده است.

آزادخواهی، پارلمانتاریسم، توزیع قدرت، رعایت حقوق شهروندان، حق داشتن تفکر متفاوت در راستای منافع کدام گروههای اجتماعی و سیاسی در تاریخ ایران بوده است؟ از این زاویه، طرح مباحث این تحقیق بر دو محور استوار است: اول، نظام اقتدارگرایی حاکم بر ایران در دوره قاجار چه خصوصیتی داشته است و چگونه تداوم پیدا کرد؟ و دوم، چرا

۱. فریدون آدمیت، اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، تهران: انتشارات خوارزمی،

۱۳۴۹، ص ۱۷۰.